

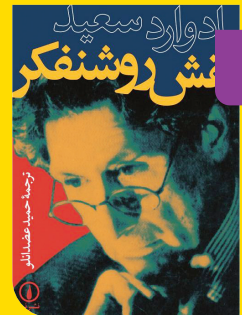
شرق شناسی



■ ترجمه لطفعلی خنجی
■ ۵۳۶ صفحه
■ امیرکبیر / ۱۳۸۶

این کتاب مهم‌ترین تألیف ادوارد سعید است که در آن بازتابی‌های فرهنگی شرق شناسی و چگونگی درک جهان غرب از شرق را نقد می‌کند. این کتاب یکی از بنیان‌های نظری متون پسااستعماری محسوب می‌شود. سعید در این کتاب به واکاوی بازتابی فرهنگی می‌پردازد و سعی می‌کند نقش بازتابی فرهنگی را در کنترل ساختار هژمونیک قدرت بررسی کند. کتاب شرق شناسی به بیش از ۲۶ زبان دنیا ترجمه شده است.

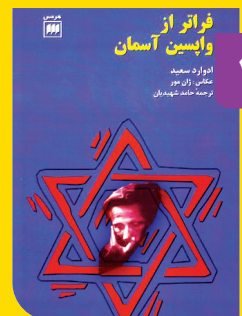
نقد روشن فکر



■ ترجمه حمید عضدانلو
■ ۱۷۵ صفحه
■ نشر نی / ۱۳۸۴

ادوارد سعید در این کتاب سعی دارد راه «درست اندیشیدن» درباره مسائل و مباحث سیاسی و اجتماعی را به ما بیاموزد. برای رسیدن به این هدف، وی میان مسئولیت‌های فردی و وفاق اجتماعی تمایزی قائل می‌شود که برای همه، به‌ویژه مدعیان «روشنفکری» مفید است. سعید در همان حال که می‌کوشد به مسائل عینی اجتماعی بپردازد، ما را درگیر مسائل پیچیده فلسفی، به‌خصوص فلسفه اخلاق، می‌کند.

فرا تر از آسمان



■ ترجمه حامد شهیدان
■ ۲۲۰ صفحه
■ هرمس / ۱۳۸۲

ادوارد سعید و ژان مور عکسبردار سوئیسی، با سبکی خاص درهم آمیختگی نوشتار و تصویر کشیده‌اند تصویری واقعی از زندگی و آرمان‌های مردم فلسطین فراروی مخاطب قرار دهند. نوشته‌های کتاب بدین ترتیب که ادوارد سعید با قلم خود و نگاهی نقادانه عملکرد رهبران فلسطینی و جهان عرب را بررسی و ارزیابی می‌کند و تصاویر ژان مور نیز سیاست‌های بین‌المللی و اهداف استعماری قدرت‌های بزرگ را به نقد می‌کشد.

حمله به مبانی عقیدتی امپریالیسم

چگونه ادوارد سعید مشهورترین فیلسوف فلسطینی شد؟

مسیحا آزاد تحلیل گر

نام ادوارد سعید با نام اصلی‌ترین کتابش با عنوان «شرق شناسی» که در سال ۱۳۵۶ خورشیدی منتشر شد گره خورده است. حتی شهرت کتابش مقدم بر شهرت خودش داشت. در واقع ادوارد سعید شهرتش را مدیون کتاب شرق شناسی‌اش است. او آنچنان در مجامع علمی با این کتاب شناخته می‌شود که امروزه اصطلاح شرقی‌شناسی بیشتر اشاره به کتاب سعید دارد تا رشته‌ای دانشگاهی که به مطالعه ادبیات و فرهنگ تاریخ شرق بپردازد. کتابی که درباره مطالعه فرهنگ‌های شرقی از سوی غرب است. سعید در کتاب «شرق شناسی» این چارچوب را ارائه کرد که غرب چگونه شرق را می‌فهمد، معرفی می‌کند و بازتابی می‌کند.

اگر چه نام ادوارد سعید قرین با «شرق شناسی» ارزیابی می‌شود، اما او در دو زمینه دیگر نیز شناخته شده محسوب می‌شود. یکی تأملات‌اش درباره نقش روشن فکر در جامعه و دیگری توجه‌اش به فلسطین به عنوان زادگاهش. در واقع نخست بررسی گفتمان غربی‌ها درباره شرق، دوم تبیین جایگاه و رسالت فرهنگی روشن فکر و سوم برجسته کردن مبارزات مردم فلسطین سه ضلع مثلث فکری ادوارد سعید به شمار می‌رود. ادوارد سعید در مرکز این مثلث، دائماً به فکر بیرون کشیدن تاریخ، مردم و سرزمین فلسطین از محاق فراموشی گفتمان تجدد به طور عام و گفتمان شرق شناسی به طور خاص است. در واقع مبارزه برای ابقای سرزمینی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی فلسطین در کانون تأملات ادوارد سعید به عنوان مشهورترین فیلسوف فلسطینی قرار دارد. درست به همین دلیل است که آوی شلایم استاد ممتاز روابط بین‌الملل دانشگاه آکسفورد تعبیر بسیار جالب و جامعی درباره ادوارد سعید دارد و او را شیواترین سخنگوی فلسطینیان سلب‌مالکیت‌شده می‌نامد. کسی که یک عمر را صرف دست به گریبان شدن با

پیچیدگی‌ها و تناقض‌های تعارض عربی-اسرائیلی کرد و با وجود این هرگز امید به همزیستی و صلح را از دست نداد. یکی از دلایل این امیدواری دائم، ناشی از شرایط محیط تولد و زندگی سعید در قلب خاورمیانه بود.

ادوارد سعید در روز اول ماه نوامبر ۱۹۳۵ در اورشلیم که در آن زمان تحت قیمومیت انگلیس بود، متولد شد. پدرش ودیع سعید که فلسطینی و اهل بیت‌المقدس بود، در آن زمان بعد از ده سال زندگی در آمریکا، به فلسطین بازگشته بود. شهروندی آمریکا را هم داشت و در جنگ جهانی دوم در ارتش آمریکا خدمت کرده بود. ودیع سعید از بیت‌المقدس بیزار بود، می‌گفت این شهر «بوی مرگ» می‌دهد، عاشق سینه‌چاک آمریکا بود. ادوارد سعید می‌نویسد که پدرش چطور می‌توانست با لجبازی و یک‌دندگی از هر اشتباه آمریکا دفاع کند و حماسه بسازد! نام مادرش هیلدا موسی شماس بود، دختر کشیشی فلسطینی از اهالی شهر ناصره. نام کوچک او را مادرش به دلیل علاقه به پرنس ادوارد (شاهزاده ولز در سال تولد او) انتخاب کرده بود. بیشتر دوران کودکی و نوجوانی سعید در قاهره و در محله «الزمالک» گذشت که جزیره‌ای بود در کناره‌ی غربی رود نیل. او تا اواسط نوجوانی اجازه نداشت با دوستان خود در قاهره به گردش و تفریح برود. از همان سال‌ها بود که کتاب، ادبیات و موسیقی پناه او شد. دسترسی به کتاب آسان بود: «انتشارات آموزشی فلسطین» تنها یکی از کسب‌وکارهای پررونق پدر او بود. اولین جرقه‌های نگاه انتقادی او به امپریالیسم آمریکا و بریتانیا هم در همین سال‌ها و از صدقه‌سر درس خواندن در مدارس آمریکایی و بریتانیایی در قاهره زده شد. اولین بار «انکار فرهنگی» را در همین مدارس تجربه کرد؛ وقتی مربی تنیس تازه‌ای وارد مدرسه شد: ادموند الکساندر که اهل قاهره بود. ادوارد به سمت او رفت و به عربی با او احوال‌پرسی کرد. مربی تنیس فوری گفت: «عربی نه. عربی را کامل کنار گذاشتم. این‌جا ما آمریکایی هستیم. انگلیسی حرف بزن.» تمام نوجوانی ادوارد سعید در یک نزاع تمام‌عیار هویتی به سر شد.

زندگینامه خودنوشت ادوارد سعید مشحون از این تعاملات، تقاطعات و تضادهای فرهنگی است. زندگینامه‌ای که ادوارد سعید با شنیدن خبر ابتلایش به سرطان خون، خیلی زود دست به کار نوشتنش شد و آن را با عنوان عجیب و جسورانه‌ای منتشر کرد. پیش از آن در سال پایانی قرن بیستم یادداشت بلندی را در مجله‌ی معتبر ادبی «گران‌تا»، در ویژه‌نامه‌ی «مادران و فرزندان» منتشر کرد. یادداشتی به‌غایت شخصی که واکاوی رابطه‌ی او با والدین‌اش بود. بعداً، یکی از فصل‌های اصلی کتاب خودزندگی‌نامه‌ای شد که ادوارد سعید منتشر کرد؛ کتابی با عنوان «وصله‌ی ناجور» در آنجا به روشنی نشان می‌دهد که نگاه انتقادی او به سیاست، فرهنگ، سلطه و ادبیات، بیش از هر چیز انگار محصول این «دیگری بودن» و «عادی نبودن» او یا همان طور که خودش نوشت همین «وصله‌ی ناجور» بودند است. اما چرا سعید خود را وصله ناجور می‌دانست؟ مهمترین علت آن بحران هویتی سعید بود. سعید خود را «یک مسیحی احاطه شده توسط فرهنگ اسلامی» می‌خواند. او از بحران هویتی خود این چنین یاد می‌کند: «در تمام سال‌های آغازین عمرم یک دانش‌آموز غیرعادی ناجور بودم: یک فلسطینی که در مصر درس می‌خواند، با یک نام کوچک انگلیسی، یک گذرنامه آمریکایی و بی‌هیچ هویت مشخص! من با اسمی بریتانیایی و نام خانوادگی‌ای عربی، به طور آزاردهنده‌ای در سالیان نخست زندگی‌ام در فلسطین و بعدها در مصر، دانش‌آموزی غیرعادی به شمار می‌رفتم. با نامی انگلیسی و گذرنامه‌ای آمریکایی و با این همه بدون هویتی مشخص بودم. عربی زبان مادری من و انگلیسی زبان مدرسه‌ای من بود، پیوندی غیرقابل تفکیک که هرگز پی نبردم کدام یک از آنها زبان نخست من است.» اما اگر نوجوانی ادوارد سعید در یک نزاع تمام‌عیار هویتی به سر شد، جوانی او در یک باور راستین به مبارزه برای آزادی و رهایی فلسطین سپری شد. سعید جوان خیلی زود توانست از نزاع‌های هویتی نوجوانی بگذرد و به یک شخصیت آشکارا سیاسی در جوانی تبدیل شود. البته برخلاف باور رایج این جنگ